



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴

موضوع کلی: امارات و ظنون

موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - قلمرو حجیت خبر واحد - جهات چهارگانه - جهت اول - مصادف با: ۱۹ ذی القعدة ۱۴۴۶

بررسی حجیت در انواع چهارگانه خبر - مقام اول: بررسی مسئله بنا بر تعبد - حق در مقام اول - مقام دوم: بررسی مسئله بنا بر سیره عقلاء

جلسه: ۱۱۵

سال شانزدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

قلمرو حجیت خبر واحد

آخرین بحثی که پیرامون خبر واحد لازم است به آن بپردازیم، و بحث بسیار مهمی است و نوعاً هم کمتر به آن پرداخته شده و می‌شود، بحث از قلمرو حجیت خبر واحد است.

ما تا اینجا اثبات کردیم خبر واحد حجت است. این را با برخی ادله نقلی و همچنین سیره عقلایی ثابت کردیم؛ یعنی هم پای تعبد در میان است و هم سیره عقلاء که البته به تایید شارع هم رسیده است. لکن بعد از فراغ حجیت خبر واحد باید ببینیم آیا مطلق خبر واحد حجت است یا برخی از اخبار آحاد؟ ما در مورد قلمرو حجیت خبر واحد از چهار جهت بحث می‌کنیم.

جهات چهارگانه

جهت اول: مربوط به قلمرو از حیث انواع خبر به اعتبار مخبر است. اینکه مخبر چه اوصافی داشته باشد، باعث می‌شود خبر انواعی پیدا کند که حالا اشاره خواهیم کرد؛ خبر صحیح، خبر حسن، خبر موثق و خبر ضعیف. حداقل این چهار دسته خبر وجود دارد. ما که می‌گوییم خبر واحد حجت است، آیا همه این انواع را در بر می‌گیرد، حتی خبر ضعیف را یا نه؟

جهت دوم: مربوط به جایی است که اخبار با هم تعارض پیدا کنند. یعنی مثلاً دو خبر که هر دو شرایط حجیت را دارند، اما با هم معارض شده‌اند. آیا ادله حجیت خبر واحد متعارضین را شامل می‌شود یا نه؟

جهت سوم: این است که آیا ادله حجیت خبر واحد هم اخباری که مربوط به امور غیر مهمه است و هم اخباری که مربوط به امور مهمه است را در بر بگیرد، یا تنها شامل امور غیر مهم می‌شود و امور با اهمیت را شامل نمی‌شود؟ مثل دما و فروج و اعراض.

جهت چهارم: مربوط به خود مخبر به و موضوع خبر است که خبر از چه چیزی باشد. آیا ادله حجیت خبر واحد همه اخبار آحاد را، هر چند یک امر تاریخی باشد یا یک امر اعتقادی باشد، در بر می‌گیرد؟ یا ادله حجیت خبر واحد منحصر در احکام شرعی است؟ یعنی فقط به فقه مربوط می‌شود خبری که مثلاً پیرامون امر معاد باشد، یا در مقام تفسیر یک آیه باشد، یا گزارشی از یک واقعه تاریخی باشد، یا مربوط به احوال راویان حدیث باشد، این‌ها را در بر نمی‌گیرد.

پس به طور کلی اگر ما به این چهار جهت بپردازیم، آنگاه قلمرو حجیت خبر واحد معلوم می‌شود. این چهار جهت، چهار جهت مهم و اصلی در تعیین قلمرو و محدوده حجیت است.

ما این چهار جهت را انشاءالله سعی می‌کنیم در جلسات باقی‌مانده بررسی کنیم. این بحث بسیار مهم است و نوعاً هم در کتاب‌های اصولی به این شکل به آن پرداخته نشده. معمولاً مطرح می‌کنند که خبر واحد با این ادله حجت می‌شود. اما اینکه کدام نوع از انواع خبر واحد حجت است را خیلی بحث نمی‌کنند.

جهت اول: بررسی حجیت در انواع چهارگانه خبر

جهت اول از جهات تعیین‌کننده قلمرو حجیت خبر واحد این است که آیا ادله حجیت همه انواع چهارگانه خبر واحد را شامل می‌شود یا بعضی از آن‌ها را شامل می‌شود؟ این چهار نوع عبارتند از: خبر صحیح، خبر موثق، خبر حسن و خبر ضعیف. تعریف این‌ها معلوم است. این البته در اصطلاح متأخرین است.

خبر صحیح به خبری می‌گویند که راوی آن امامی‌مذهب و عادل باشد.

خبر موثق، آن خبری است که راوی آن امامی‌مذهب نیست، اما ثقه است.

خبر حسن به خبری می‌گویند که راوی آن امامی‌مذهب است، اما توثیق و تعدیلی ندارد؛ نه جرح دارد و نه تعدیل.

خبر ضعیف هم آن خبری است که راوی آن ثقه نیست. حالا ممکن است امامی باشد، ممکن است نباشد.

حال بحث در این است که ادله حجیت خبر واحد همه این چهار نوع را شامل می‌شود یا بعضی از آن‌ها را؟

سوال:

استاد: هر خبری به اعتبار راوی خودش، فرق نمی‌کند. ما وقتی می‌گوییم این خبر، بالاخره این راویانی دارد، این خبر به اعتبار راویان خود این خبر، هر یک در جای خودش. ممکن است در طبقات مختلف راویان همه خوب باشند یا دوتا ضعیف باشد، ... اینجا ما در دو مقام باید مسئله را دنبال کنیم. چون ادله حجیت خبر دو دسته است. یک دسته از ادله تعبیدی است، یعنی مثلاً آیه یا روایتی یا اجماع، بر حجیت واحد اقامه شده است. دلیل حجیت خبر اگر آیه یا روایت باشد یا اجماع، می‌شود دلیل تعبیدی. یک وقت دلیل تعبیدی نیست، بلکه سیره عقلاء است. اگرچه آن هم باید با مخالفت و ردع شارع مواجه نشده باشد. بنابراین، ما این بحث را روی هر دو مبنا و هر دو دسته دلیل دنبال می‌کنیم. چون مبانی اینجا مختلف است. بعضی‌ها تنها به سیره عقلایی اعتماد کرده‌اند و آن را پذیرفته‌اند، و برخی به ادله تعبیدی، و بعضی هم به هر دو استناد کرده‌اند، بر این اساس، ما این بحث را روی هر دو مبنا دنبال می‌کنیم.

سوال:

استاد: فرق نمی‌کند. این بستگی به این دارد که شما دلیل حجیت خبر را مثلاً آیه قرار دهید یا روایت. نتیجه‌اش حجیت است، یا دلیل حجیت را سیره عقلاء قرار دهید. بله، یک چیز در این مسئله دخیل است. بدیهی است روایتی که راوی آن هم امامی‌مذهب و هم ثقه و عادل باشد، این معتبرتر است و ارزشش بیشتر است تا حسنه یا موثقه.

مقام اول: بررسی مسئله بنابر تعبید

اگر دلیل حجیت خبر آیه یا روایت باشد، یعنی پای تعبید در کار باشد، اینجا چهار قول وجود دارد. یعنی آنهایی که ادله نقلیه را پذیرفته‌اند و دلیل حجیت خبر را تعبیدی می‌دانند. چهار دسته‌اند:

اقوال

قول اول: برخی معتقدند تنها خبر صحیح معتبر و حجت است، یعنی ادله حجیت فقط خبرهای صحیح را آن هم از نوع اعلائی حجت می‌کند. منظور از صحیح اعلائی چیست؟ صحیح اعلائی یعنی خبری که همه راویانش عادل و امامی‌مذهب باشند، در تمام طبقات. بعضی مثل صاحب مدارک معتقدند ادله حجیت خبر واحد که تعبدی هستند، دلالت دارند بر حجیت خبر صحیح اعلائی. بعضی هم می‌گویند خبر صحیح مطلقاً حجت است.

قول دوم: دلیل تعبدی هم خبر صحیح را حجت می‌کند و هم خبر حسن را، اما موثق و ضعیف را حجت نمی‌کند. شیخ طوسی شاید از این گروه باشد.

قول سوم: خبر صحیح و حسن و موثق با ادله تعبدیه حجت می‌شود، اما خبر ضعیف حجت نمی‌شود. اینها البته دلایلی هم دارند که ما وارد آن بحث‌ها نمی‌خواهیم بشویم. مثلاً یک دلیل این است که در برخی روایات از ائمه معصومین (علیهم السلام) وارد شده که به روایات فلان طایفه عمل کنید، در حالی که آن‌ها امامی‌مذهب نیستند، ثقه هستند.

قول چهارم: ادله حجیت خبر واحد علاوه بر آن سه دسته، یعنی خبر صحیح، حسن و موثق، خبر ضعیف را هم به یک شرط در بر می‌گیرد، و آن اینکه اصحاب به آن خبر عمل کرده باشند. یعنی خبر ضعیف هم حجت است به شرط جبران ضعف سندی روایت وسیله عمل اصحاب. عمل مشهور، همین چیزی که شنیدید، که شهرت جابر ضعف سندی است.

البته در مورد خبر صحیح به طور کلی هم یک اختلافی هست؛ بعضی معتقدند که عدالت و امامی بودن و وثاقت باید با بینه ثابت شود؛ یعنی دو شاهد عادل بر امامی بودن و وثاقت او باید شهادت بدهند. اما یک عده می‌گویند: اگر عدل واحد هم بگوید فلانی ثقه و امامی و عادل است، کافی است. لازم نیست دو شاهد عادل باشد، بینه لازم نیست. این مربوط به طریق اثبات وثاقت و عدالت و امامی بودن راوی است. طریق فرق می‌کند. یک کسی می‌گوید طریقتش شهادت دو نفر است که از آن تعبیر می‌شود به بینه. یک عده هم می‌گویند: نه، طریق اثباتش همین شهادت یک نفر است؛ لازم نیست دو نفر باشد. بینه لازم نیست.

حق در مقام اول

این اشاره اجمالی به این اقوال بود. بنابراین که ادله حجیت خبر واحد تعبدی باشد، ما این را بررسی کرده و سپس سراغ مقام دوم می‌رویم ببینیم مقتضای ادله نقلیه چیست. یعنی آیات و روایات، چنانچه دلالت بر حجیت خبر واحد داشته باشند، آیا همه انواع خبر را معتبر می‌کنند یا بعضی از اینها را؟ یعنی مثلاً فقط خبر صحیح را معتبر می‌کند؟

اگر خاطرتان باشد، چند آیه ذکر کردیم به عنوان استدلال بر حجیت خبر واحد. آیه نبأ بود، آیه نفر بود، آیه کتمان بود. چند آیه نقل کردیم. بعضی از آن آیات را گفتیم دلالت بر حجیت خبر واحد ندارد، اما دلالت بعضی از آن‌ها را بر حجیت خبر واحد پذیرفتیم، مثل دلالت آیه نفر: «فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ».

حال اگر گفتیم هیچ یک از آیات دلالت بر حجیت خبر ندارد، تکلیف معلوم است. اما اگر گفتیم برخی آیات دلالت دارند، آنگاه باید دید آیا همه انواع خبر را شامل می‌شوند یا برخی را؟ فرض می‌کنیم که دلالت آیه نفر بر حجیت خبر واحد را پذیرفتیم. مقتضای این آیه چیست؟ آیا این دلیل تعبدی، خبر صحیح و حسن و موثق و ضعیف را شامل می‌شود یا فقط یک قسم از خبر را حجت می‌کند؟

به نظر می‌رسد که چنانچه آیه را در مقام بیان همه جزئیات و خصوصیات مربوطه، از جمله شرایط منذر بدانیم، سه قسم از این اخبار را شامل می‌شود و شامل خبر ضعیف نمی‌شود. وقتی می‌فرماید: چرا یک عده‌ای از شما نمی‌آیند تفقه در دین کنند تا پس از آن انداز کنند قومشان را، این انداز بعد از تفقه و پیش از پذیرش مردم است. اینجا درست است که شرطی برای منذر ذکر نکرده، اما کانه در این آیه اعتماد شده به فهم مردم، به آنچه مردم می‌فهمند، به آنچه بین مردم متعارف و رایج است. می‌گوید: چرا یک عده نمی‌آیند اینجا یاد بگیرند، برگردند، برای شما مسائل را بیان کنند؟ مردم به قول چه کسانی ترتیب اثر می‌دهند و به قول چه کسانی ترتیب اثر نمی‌دهند؟ این مسلم است که مردم به قول مخبر ضعیف اخذ نمی‌کنند. اما اگر شخص وثاقت داشته باشد، ولو کافر باشد، به قولش اخذ می‌کنند. مثال می‌زنیم، در همین بازار مثلاً می‌گویند: فلانی ارمنی است ولی دروغ نمی‌گوید. حال اگر کسی که با این وصف شناخته شود، خبری را نقل کند، مردم به قول او ترتیب اثر می‌دهند و کذالک یک آدمی که ظاهرش خوب است، مذهبش امامی است، کسی هم بدی از او نگفته است، درست است که تعدیل نشده، اما جرح هم نشده، باز خبر این او نزد مردم پذیرفته است. اگر اعتقاداتش و اخلاقیاتش و صفاتش همه مورد پذیرش باشد که دیگر اینجا روشن است که قول او را می‌پذیرد. یعنی کانه آیه در مقام بیان مسئله شرایط منذر و انداز بوده، ولی هیچ موردی را ذکر نکرده. لذا ما می‌توانیم به اطلاق آن اخذ کنیم و بگوییم هر سه نوع خبر را در بر می‌گیرد، فقط خبر ضعیف را شامل نمی‌شود.

بله، کسی ممکن است بگوید: این آیه دلالت بر حجیت خبر واحد دارد، اما از حیث شرایط منذر در مقام بیان نیست. در این صورت دیگر این آیه برای استدلال مناسب نیست. ما نمی‌توانیم به اطلاق این آیه اخذ کنیم، بگوییم همه انواع خبر را در بر می‌گیرد، یا بگوییم دو نوع در بر می‌گیرد، یا یک نوع را در بر می‌گیرد، زیرا آیه از این حیث در مقام بیان نیست. لذا اگر دلیل تعبد باشد، مثل آیه نفر، طبق یک احتمال، سه نوع از چهار نوع خبر، حجیتشان ثابت می‌شود. و طبق یک احتمال که عرض کردم، آیه چنین دلالتی ندارد؛ یعنی نسبت به انواع خبر اساساً در مقام بیان نیست تا ما بخواهیم بررسی کنیم قلمرو آن کجاست. این در صورتی است که دلیل حجیت آیه باشد.

مقام دوم: بررسی مسئله بنابر سیره عقلاء

مقام دوم مربوط به صورتی است که دلیل حجیت خبر واحد، سیره عقلاء باشد. ما تفصیلاً بیان کردیم که سیره عقلاء چگونه بر حجیت خبر واحد دلالت می‌کند.

اگر دلیل حجیت خبر، سیره عقلایی باشد، شامل کدام دسته از اخبار می‌شود؟ بدیهی است اینجا باید بریم سراغ سیره عقلاء، ببینیم عقلاء به کدام دسته اخبار اخذ می‌کنند، آنگاه پس از تأیید شارع، نتیجه بگیریم که این اخبار حجت است.

به سراغ عقلاء که می‌رویم، عقلاء به غیر از خبر ضعیف، آن سه قسم دیگر از اخبار را معتبر می‌دانند. عقلاء به این سه قسم خبر یعنی صحیح، موثق و حسن اخذ و اثر بر آن مترتب می‌کنند. تنها خبری که از دید عقلاء ارزش ندارد، خبر ضعیف است؛ خبری که راوی آن وثاقت ندارد. اثری بر آن مترتب نمی‌کنند. عقلاء مسلماً به کسی که احتمال دروغ‌گویی او را می‌دهند، آن هم یک احتمال عقلایی راجح طبیعتاً به خبر او اخذ نمی‌کنند.

پس اگر دلیل حجیت خبر واحد، سیره عقلاء هم باشد، باز مثل جایی که حجیت خبر به وسیله آیه یا روایتی شده باشد، شامل این سه قسم خبر (صحیح، موثق و حسن) می‌شود و شامل خبر ضعیف نمی‌شود.

نتیجه بحث در جهت اول که مربوط به شمول ادله حجیت خبر نسبت به انواع چهارگانه خبر است، این شد که سه قسم خبر حجت است، یک قسم حجت نیست. بنائاً علی کلامین.

بحث جلسه آینده

منتهی یک بحثی اینجا باقی مانده که فردا دنبال می‌کنیم. گفتیم اینجا یک قول این است که خبر ضعیف اگر توسط اصحاب به آن عمل شده باشد، این حجت است. یعنی کانه تبصره‌ای است ذیل عدم شمول ادله حجیت خبر واحد نسبت به خبر ضعیف. این را حالا باید دنبال کنیم تا قلمروی در جهت اول معلوم شود.

«والحمد لله رب العالمین»